نگاه

یادداشتی برحاشیه سه نمایشنامه از ناتالیا گینزبورگ

آینه‌ای در برابر دیدگان ما

حسن شکاری

ناتالیا گینزبورگ (تولد: ۱۴ ژانویه ۱۹۱۶. مرگ: ۷ اکتبر ۱۹۹۱.)، بانوی رمان‌نویس و داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس، نامی بسیار آشناست برای دوستداران ادبیات داستانی و نمایشی ایتالیا در ایران. اکثر رمان‌ها و داستان‌هایش در ایران و با همت مترجمان توانای ادبیات داستانی ایتالیایی به فارسی برگردانده شده‌اند، و در بزرگداشت این بانوی داستان‌پرداز قرن بیستم ایتالیا، نشست‌ها و جلسه‌های متعددی برگزار شده است با حضور دوستداران ادبیات ایتالیایی و علاقه‌مندان به این نویسنده هم‌نسل شاعران بزرگ قرن بیستم ایتالیا مانند چزاره پاوزه و نویسندگان نامداری هم‌چون ایتالو کالوینو. «خانه لب دریا»، «میشل عزیز»، «فضیلت‌های ناچیز»، «الفبای خانواده»، «شهر و خانه»، «نجواهای شبانه»، «چنین گذشت بر من»، «والنتینو»، «شهرِ من» برخی از رمان‌ها و مجموعه‌داستان‌های این بانوی نویسنده هستند که سالیان گذشته در ایران چاپ و منتشر شده‌اند.

اما، سه نمایشنامه وی، با نام‌های «با تو ازدواج کردم که شاد باشم»، «توت‌فرنگی و خامه» و «آگهی»، سال گذشته و با ترجمه آقایان کاظم فرهادی و فرهاد خردمند، و با کوشش انتشارات فرهنگ‌جاوید، و در قطعی خاص به دوستداران این نویسنده عرضه شد که من نیز به‌عنوان خواننده آثار این نویسنده، هر سه نمایش‌نامه را خواندم و نکاتی چند در حاشیه خوانش این سه نمایشنامه به ذهنم خطور کرد که در یادداشت پیش‌رو به این نکات پرداختم.

شاعران و نویسندگان اروپایی پس از جنگ دوم جهانی، به‌ویژه در آلمان و ایتالیا، به تحلیل و بازشناخت پی‌آمد جنگی سوداگرانه و امپریالیستی بر زندگی اروپاییان برآمدند و «ادبیات شکست» را پی ریختند. در آلمان، برتولد برشت و هاینریش بل و دیگر نویسندگان و شاعران آلمانی، با آثاری متعدد در نمایش‌نامه‌نویسی و رمان …

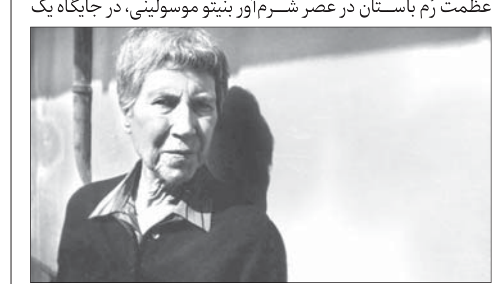

عطف

کلمات و آزادی

«سنگ آفتاب»، «روزهای اشتغال» و «سمندر» یک شعر بلند و دو مجموعه شعر از اکتاویو پاز، شاعر بلندآوازه مکزیکی، هستند که اخیرا با ترجمه رضا معتمدی در قالب یک کتاب در نشر نگاه منتشر شده‌اند. اکتاویو پاز چنانکه در مقدمه ترجمه فارسی همین کتاب اشاره شده است، شاعری بود زاده دورانی پرآشوب و پرتب‌وتاب. زاده‌شدن او از یک‌سو مقارن بود با شروع جنگ جهانی اول و از سوی دیگر انقلاب مکزیک. شرایط وخیم و بحرانی مکزیک در آن روزگار بر زندگی خانواده پاز نیز تأثیر گذاشت و ناخودآگاه پاز را از تجربه‌هایی انباشت که بعدها هنر او نیز از آن‌ها متأثر شد و به این تجربیات اضافه شد تجربه‌های سال‌های بعد، از جمله سروکار پیداکردن‌اش با نواحی فقیرنشین، گرایش‌اش به اندیشه‌های چپ، مواجهه‌اش با جنگ داخلی اسپانیا و بعدها، زمانی که پاز وابسته فرهنگی سفارت مکزیک در فرانسه بود، قیام دانشجویان در مکزیک و هم‌سویی پاز با این قیام و اعتراض او به سرکوب آن …

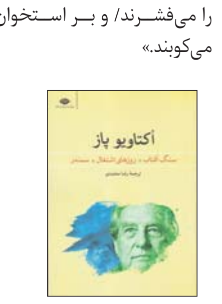

سنگ آفتاب، روزهای اشتغال، سمندر
اکتاویو پاز
ترجمه رضا معتمدی
نشر نگاه

گفت‌وگو با محمد حامد درباره لارش نورن، به مناسبت انتشار ترجمه‌هایش از نمایشنامه‌های او

نقاشی بر بومِ مرگ

عکس: فتانه تمبرچی

علی شروقی

محمد حامد را بیشتر با ترجمه‌هایش از نمایشنامه‌های یون فوسه می‌شناسیم. چندی پیش نمایشنامه‌هایی از لارش نورن، نمایشنامه‌نویس سوئدی، با ترجمه او در پنج کتاب از طرف انتشارات روزنه به چاپ رسید. «آهنگ بی‌صدا و سه نمایشنامه‌ی دیگر»، «از عشق و سه نمایشنامه‌ی دیگر»، «قطعه‌های زمستانی و چهار نمایشنامه‌ی دیگر»، «همه‌ی آن‌چه که بود و سه نمایشنامه‌ی دیگر» و «اینجا و سه نمایشنامه‌ی دیگر» عنوان‌های این پنج کتاب است. این نمایشنامه‌ها چنان‌که فتانه تمبرچی در مقدمه اولین کتاب این مجموعه اشاره کرده است، از جلد اول مجموعه نمایشنامه‌های نورن با عنوان «ترمینال» انتخاب و ترجمه شده‌اند. مرگ قوی‌ترین عنصر نمایشنامه‌های لارش نورن در این پنج کتاب، و خاکستری چشم‌گیرترین رنگ آن‌هاست. محمد حامد در گفت‌وگویی که می‌خوانید این نمایشنامه‌ها را به نقاشی بر بوم مرگ تشبیه می‌کند و معتقد است در این مجموعه «مرگ نخ گردن‌بند مرواریدی است که اینجا هر کدام از دانه‌های مروارید یک نمایش است.» علاوه بر نمایشنامه‌های لارش نورن، اخیرا نمایشنامه‌هایی هم از هنینگ مانکل که او هم نمایشنامه‌نویسی سوئدی است، در کتابی با عنوان «دیدار در بعد از ظهر و سه نمایشنامه دیگر» با ترجمه محمد منتشر شد که ناشر آن نشر شباهنگ بود. گفت‌وگو با محمد حامد درباره نمایشنامه‌های لارش نورن را می‌خوانید.

لارش نورن ظاهرا پیش از این مجموعه نمایشنامه‌هایی که اخیرا با ترجمه شما منتشر شده، در ایران نمایشنامه‌نویس شناخته‌شده‌ای نبوده است. بنابراین ترجمه‌های شما از نمایشنامه‌های او حکم معرفی او به مخاطبان فارسی‌زبان را هم دارد. برای شروع می‌خواستم اگر ممکن است از دلیل این‌که نمایشنامه‌های او را برای ترجمه انتخاب کردید بگویید و این‌که آیا قصدتان صرفا آشنا کردن مخاطبان فارسی‌زبان با آثار او بود یا دلایل دیگری هم برای این انتخاب داشتید. چه ویژگی‌ای در این آثار چشم‌تان را گرفت و ترغیب‌تان کرد به ترجمه؟

این که می‌گویید لارش نورن در ایران نمایشنامه‌نویس شناخته‌شده‌ای نیست تا حدودی درست است، اما در ایران تا آنجا که من می‌دانم یک نمایشنامه از او ترجمه و نمایش دیگری اجرا شده است و آنها که در دل دغدغه نمایش دارند و به دنبال صداهای تازه هستند کم و بیش او را می‌شناسند. معرفی نمایشنامه‌نویسان برجسته‌ی کشورهای اسکاندیناوی به علاقه‌مندان ایرانی پروژه‌ای است که من از حدود بیست سال پیش آغاز کرده‌ام. اولین نویسنده‌ای که آثار او را به فارسی برگرداندم یون فوسه رمان‌نویس، شاعر و نمایشنامه‌نویس نروژی بوده است که بیست نمایشنامه از او در انتشارات نیلا منتشر شده است. از کشور سوئد لارش نورن و هنینگ مانکل را انتخاب کردم. با آثار لارش نورن از طریق دیدن اجراهای نمایشنامه‌هایش آشنا شدم. من خودم از کودکی و نوجوانی تا همین امروز که شصت و سه ساله‌ام با تئاتر همخانه بوده‌ام. در سوئد نیز کم و بیش در گروه‌های آزاد تئاتر فعالیت کرده‌ام. اما بیشتر از آن تلاش کرده‌ام که نمایشنامه بخوانم و ببینم. …

… و «نگه‌داشت زمستانه» هر دو با صحبت از مراسم تشییع جنازه و سوگواری برای مرده آغاز می‌شوند و شخصیت‌های نمایشنامه از کسانی سخن می‌گویند که مرده‌اند و دیگر میان‌شان نیستند. مضمون «مرگ» به شکل‌های مختلف در نمایشنامه‌های دیگر او هم هست. این مرگ‌اندیشی آیا به تجربه‌ای شخصی در زندگی او نیز بازمی‌گردد یا ریشه‌اش جای دیگری است؟

بله، مضمون مرگ در تمام نمایشنامه‌های این مجموعه یعنی در ۲۳ نمایشنامه هست و خط پر رنگ نمایش‌ها را بر صحنه رسم می‌کند. مجموعه نمایشنامه‌هایی که در مجموعه «ترمینال» در سوئد منتشر شده‌اند حاصل ده سال کار پیوسته لارش نورن است. انگار این دوره‌ای است که نویسنده ما به مرگ فکر می‌کرده است، چه آن مرگ‌هایی که در اطرافش و در زندگی خصوصی‌اش رخ داده و چه اندیشه فلسفی درباره‌ی مرگ. مرگ حرف آخر همه این نمایشنامه‌هاست. نخ گردن‌بند مرواریدی است که اینجا هر کدام از دانه‌های مروارید یک نمایش است. متریال اصلی لارش نورن در این آثار مرگ است. مثل نقاشی است که بر بوم مرگ نقاشی کند. در یکی از این مرواریدها مادری از آسایشگاه برمی‌گردد به خانه‌اش، پیش دختر و پسر و همسرش. آمده که آنجا در خانه‌اش بمیرد. سفر آخر مادر به جهان گذشته‌اش. در یکی دیگر پدر و مادر یک جوان به سردخانه می‌آیند که جسد فرزندشان را شناسایی کنند. و یا پدری تنها در خانه‌اش می‌افتد روی زمین و در جا می‌میرد، بعد پسران و دختر و عروس او می‌آیند که وسایل مانده‌ی او را از آپارتمانش جمع کنند، آپارتمان را تمیز کنند و به صاحبخانه تحویل دهند. در نمایش دیگری مردی به آپارتمان تازه‌ای اسباب‌کشی می‌کند که مستأجر قبلی در آنجا خودکشی کرده بوده است. …

عطف

داستان یک مستعمره

«زمین ابنای بشر»، نوشته پرامودیا آنانتا تور، نویسنده اهل اندونزی، اولین رمان از چهارگانه‌ای است با عنوان «چهارگانه‌ی بورو». این رمان که با ترجمه تهمینه زاردشت در نشر آگه منتشر شده از زبان راوی جوانی به نام مینکی روایت می‌شود. مینکی …

زمین ابنای بشر
پرامودیا آنانتا تور
ترجمه تهمینه زاردشت
نشر آگه

مرور

دو مجموعه‌شعر جهان در نشر چشمه

از غم غربت تا نوبه‌خوابی

سال ۱۹۲۸ در سفری که امیلیو گارسیا گومز، شاعر و زبان‌شناس اسپانیایی به قاهره داشت یکی از نسخه‌های دست‌نویس کتابی نظرش را جلب می‌کند که شامل نمونه‌های درخشانی از شعر اعراب اندلس از قرن دهم تا سیزدهم …